

در بخش تولید نیاز به یک بازنگری داریم

یک کارشناس انرژی گفت: در بخش تولید نیاز به یک بازنگری داریم زیرا ۹۰ درصد برق تولیدی وابسته به گاز است به همین دلیل نیروگاه های تجدیدپذیر باید جایگزین نیروگاه های حرارتی شوند. هاشم اورعی کارشناس انرژی در گفت وگو با مهر با اشاره به اینکه آنچه در کشور وجود دارد، ناترازی برق نیست و بحران انرژی است گفت؛ متأسفانه ما به صورت روزانه در بخش برق با مشکلات جدیدی مواجه می شویم، چراکه در سال جاری قرار بود کسری برق و ناترازی منحصر به تابستان باشد بلکه خاموشی در بین تابستان و زمستان هم وجود دارد که دلیل خاموشی در تابستان به دلیل بالا رفتن تقاضا است و در زمستان کمبود کاهش تولید است.

وی ادامه داد: اما چرا در تابستان و زمستان با خاموشی مواجه می شویم به دو دلیل است یکی اینکه در زمستان با ناترازی گاز مواجه هستیم و امکان تحویل گاز به نیروگاه ها وجود ندارد و این امر منجر به کاهش تولید می شود و دلیل دیگر در تابستان از تمامی ظرفیت نیروگاهی استفاده می کنیم ناچار هستیم بعد از عبور از اوج مصرف نیروگاه ها برای تعمیرات اساسی باید اورهال شوند. وی با اشاره به اینکه ۱۸ هزار مگاوات از ظرفیت نیروگاهی در حال تعمیرات اساسی است خاطرنشان کرد: متوسط عمر نیروگاه ها بالاست، به طوری که ۳ درصد نیروگاه های ما بالای ۴۰ سال دارند و ۱۵ درصد بالای ۳۰ سال به عبارتی نزدیک به یک پنجم نیروگاه های ماعمر بالای ۴۰ سال دارند و به دلیل مشکلات ناشی از تحریم و مشکلات اقتصادی باعث شده توانبر و هم تولید کنندگان خصوصی برق امکان تعمیرات به موقع را ندارند. این کارشناس انرژی افزود: در نتیجه این دو دلیل دست به دست هم داده و منجر به خاموشی شده است، اما با توجه به رشد ۶ درصدی سالانه برق و رشد تقاضایش از رشد تولید برق در کشور است در صورتی که با همین روند ادامه دهیم با ناترازی فزاینده مواجه هستیم و وارد بحران می شویم.

اورعی خاطرنشان کرد: اما چرا تولید و مصرف برابری نمی کنند؟ برای اینکه تولید و تقاضا را به یکدیگر برسانیم و در نتیجه ناترازی وجود دارد دو گام اساسی باید برداشت که اولی تقاضاست، متأسفانه ما هیچ اقدامی در راستای بهره وری انرژی انجام نداده ایم و باید برای کنترل تقاضا دو اقدام در این زمینه انجام دهیم اولی و مهم ترین قیمت گذاری است تا زمانی که اجازه دهیم بازار قیمت برق را مشخص کند و قیمت تری خانگی در حدی باشد که اکنون است مسأله ای به نام بهره وری انرژی بی معناست و تأسیس سازمان هایی نظیر ساتبا کمی که به این موضوع نمی کند، زیرا تا زمانی که دولت یارانه ای ۹۰ درصدی پرداخت کند انگیزه ای برای بهینه سازی مصرف برق وجود ندارد. به گفته وی دیگری فناوری است که به قیمت گذاری مربوط می شود که برای بالا بردن انرژی الکتریکی از فناوری های نوین استفاده کنیم تا از این طریق راندمان را افزایش دهیم که تا حد زیادی این فناوری ها در کشور وجود دارد و با امکان ایجاد آن است اما انگیزه اقتصادی آن وجود ندارد. زیرا به دلیل قیمت برق باگشت سرمایه در کشور ما نزدیک به ۱۰ سال زمانبر خواهد. این کارشناس انرژی افزود: تولید دیگر مقوله ای است که از اهمیت بالایی برخوردار است اما وزارت نیرو نباید خود را بر آن متمرکز کند، چرا که در این صورت برق تولیدی به درستی مصرف نشود هدر رفت برق را پیش رو داریم و باید نتیجه تولید برق را در تولید ناخالص داخلی شاهد باشیم در صورتی که اینگونه نیست. وی اضافه کرد: وی گذشته ۷۰۱٪ ظرفیت نیروگاهی به ظرفیت نیروگاهی ما افزوده شد که نشان دهنده عقب ماندگی تولید است با فرض اینکه ۱۰ نیروگاه حرارتی در کشور احداث شود گاز آن از کجا تأمین می شود که در بخش تولید نیاز به یک بازنگری داریم زیرا ۹۰ درصد برق تولیدی وابسته به گاز است به همین دلیل نیروگاه حرارتی دیگر را هکار نیست بلکه نیروگاه های تجدیدپذیر باید جایگزین شود. اورعی اضافه کرد: در سال ۱۳۶۴ کشور ما تنها ۳۵ درصد وابسته به گاز بوده و در همان زمان در جهان این رقم به ۱۴ درصد می رسید و در سال ۱۴۰۱ این آمار در جهان از ۱۴ درصد به ۲۳ درصد رسید که به دلایل زیست محیطی امری طبیعی است، اما این آمار در ایران به ۸۶ درصد رسیده است که بسیار قابل توجه است و در این شرایط باید تنوع سبد سوختی و جایگزینی تجدیدپذیرها به جای نیروگاه های حرارتی را در پیش گرفت تا بتوان از این بحران عبور کرد.

«آرمان ملی» در گفت وگو با مرتضی افقه

راه های جبران کسر بودجه را بررسی می کند

جبران کسر بودجه

در شرایط جنگ اقتصادی



حل کسری بودجه در گرو کارآمدی انتصابات

موفقیت مشروط بازار ارز توافقی در شرایط بحرانی

آرمان ملی- صدیقۀ یهزادپور: کسری بودجه یکی از چالش های جدی دولت ها به شمار می آید که به دلیل افزایش هزینه ها و کاهش درآمد ها، کاهش هزینه های نفتی و مالیاتی و... دولت را به سمت سیاست های گوناگون برای جبران این کسری سوق داده است. یکی از موضوعاتی که در این راستا مطرح می شود، حذف ارز است. تأمین ارز تجارت خارجی از طریق بازار توافقی و... از جمله راهکارهایی به شمار می آید که با واکنش های مختلفی از سوی کارشناسان و تحلیلگران منجر شده است. در عین حال بسیاری از کارشناسان معتقدند به دلیل فراگیری ایران در شرایط دشوار ناشی از تشدید تنش های منطقه و التهاب سیاسی، اقتصادی موجود در بازار ایران از یکسو و پیروزی ترامپ در انتخابات آمریکا، تحریم ها

تأمین ارز مورد نیاز تجارت از مسیر بازار توافقی، تک نرخی کردن ارز و... از جمله طرح هایی است که به نظر می رسد که می تواند بازار ارز را التهاب و نوسانات پی در پی نجات دهد و علاوه بر این از اختلاس ها و لابی های احتمالی نیز رهایی بخشد و در صورت اجرای اجرا فائقانه مفهوم توافق میان صادرکننده و واردکننده برای تعیین قیمت دلار، می تواند منجر به تعیین نرخ واقعی دلار شود.

نظر شما در این خصوص چیست؟

قطعا هر طرحی که متضمن کاهش التهاب و اختلاس و چالش های دیگر در بازار ارز و اقتصاد کشور باشد مطلوب است، اما من زیاد فرقی بین بازار ارز توافقی و ارز بازار آزاد نمی بینم ممکن است که نرخی کمتر از ارز بازار آزاد ارائه کند، اما قطعا با گران شدن ارز نیمایی، ارز بازار آزاد هم گران می شود و به دنبال آن حتما قیمت همه چی گرانتر می شود، اما افرادی که اقدام به ارائه ارز میده هستند بر این باور هستند که در راستای اجرای این طرح، تجارت مجبور می شوند که ارز خود را به کشور بازگردانند، هرچند این امر باالوقه می تواند درست باشد اما، در شرایطی که فضای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به دلیل تنش های منطقه و پیروزی ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا منتهب است، به نظر می رسد که قیمت تنها شاخصی نیست برای اجرای مثبت و موثر این طرح باید در نظر گرفته شود، از طرفی دیگر به نظر می رسد با توجه به شرایط حاکم بر جامعه نتایج آن برای اکثریت مردم کشور قابل تحمل نباشد.

به نظر شما چه طرحی در خصوص بازار ارز آزاد و دولتی در حال حاضر می تواند موثر واقع شود و به رفع چالش های اقتصادی و بحران کسری بودجه و... کمک کند؟

به نظر می رسد در شرایط کنونی افزایش نرخ ارز نیمایی چندان مفید و موثر نباشد، چراکه با توجه به تجارب پیشین در خصوص اجرای این طرح به ویژه در شرایط دشوار کنونی، به احتمال زیاد کشور را دچار چالش هایی خواهد کرد و پیامدهای مطلوبی را به دنبال نخواهد داشت، اما دولت به دلیل بحران کمبود بودجه که البته ویژه این دوره نیز نیست، به دنبال مفرهایی است که از جمله آن راهکار حذف ارز نیمایی و یا تک نرخی بودن ارز است و در مجموع دنبال مفرهای جدیدی می گردد، این امر به ویژه با توجه به روی کار آمدن ترامپ و افزایش محدودیت صادرات نفت به شدت افزایش می یابد، چراکه برخی پیش بینی می کنند که احتمال دارد فروش نفت دوباره با سختی و دشواری روبه رو شده، فروش دچار افت شود. این البته یک نگاه است و ایران نشان داده که به هر حال راه خود را پیدا می کند و نفت خود را به دست مشتری می رساند. در هر حال هنوز مشخص نیست که دولت برای ارز نیمایی چه تصمیمی دارد، اما قطعاً تورم و فشار گرانی ها بر جامعه تحمیل می شود، حتی اگر اجرای طرح حذف ارز نیمایی در دراز مدت نتایج خوبی داشته باشد، در حال حاضر با توجه به افزایش چالش های منطقه ای و کشوری و... حتماً تبعات ناخوشایندی به دنبال خواهد داشت و مصائب آن بر شانه مصرف کنندگان سنگینی خواهد کرد

به نظر شما بهترین زمان برای اجرای تک نرخی شدن ارز و رهایی از پیامدهای منفی آنچه زمانی است و چه دلایل عمدتاً تا باعث عدم موفقیت آن در شرایط کنونی می شود؟

قطعاً تک نرخی شدن ارز به بهبود وضعیت اقتصادی، کاهش رانت ها و لابی ها و اختلال های اقتصادی کمک می کند، اما مشکل این است که شرایط ما در حال حاضر عادی نیست، شرایط امروز ما به هیچ وجه کمتر از شرایط جنگ نیست. تحریم ها، تورم، گرانی و... همه مشکلاتی است که گویا هنوز برخی از افراد در سطوح مختلف جامعه آن را نادیده می گیرند و یا اینکه می خواهند که نادیده گرفته شود، در حالی که شرایط ما در حال حاضر حتی از فراگیری در موقعیت جنگ هم دشوارتر است، در این وضعیت همه



و بسیاری از عوامل دیگر اعمال هرگونه سیاستی که باعث افزایش نرخ تورم و گرانی و در نتیجه منتهب شدن بیشتر بازار باشد، توصیه نمی شود. به گفته این گروه از کارشناسان، ایران هم اکنون در شرایط جنگی قرار دارد که باید در مرحله نخست با اتخاذ سیاست های حمایتی از اعمال فشار بیشتر بر آحاد مختلف مردم به ویژه گروه های آسیب پذیر جلوگیری کرد، هرچند به گفته همین کارشناسان، اجرای سیاست های ارزی دولت در شرایط عادی راهکاری نجات بخش برای هر اقتصادی است. ایران در حال حاضر در شرایط عادی قرار ندارد. از این رو با مرتضی افقه کارشناس اقتصادی درباره بهترین راهکارهای برون رفت از شرایط دشوار اقتصادی کنونی و جبران کسری های بودجه گفت وگو کردیم که در ذیل مشاهده می فرمایید.

خوبی رصد می شود و فرصت استفاده مناسب از ظرفیت ها با بهره وری حداکثری خلق می شود و کشور نیز از هزینه های سربار نجات می یابد و دولت به این شکل به تدریج خود به خود کوچک خواهد شد.

پس به اعتقاد شما خصوصی سازی و اجرای اصل ۴۴ نیز نمی تواند کشور را در این مسیر کمک کند؟

اینکه دولت بخواهد که شرکت های ناکارآمد را به بخش خصوصی واگذار کند قطعاً فرایندی مثبت تلقی می شود و باالوقه مثبت ارزیابی می شود، اما دولت ها به ویژه در ۸ سال اخیر تمام تلاش خود را در این مسیر انجام داده است و آنچه که در پروسه واگذاری رخ داده است، تمام توان بخش خصوصی و مقایسه ایی بوده است که به حضور در پروسه خرید وارد شده اند و دیگر خریداری وجود ندارد، البته این امر بدون در نظر گرفتن تخلف ها و مشکلاتی است که تاکنون در راستای واگذاری ها و خصوصی سازی ها دیده شده، که البته این معضل نیز باز در ارتباط مستقیم به نظام اداری و ساختار بیمار انتصاب ها و به کارگیری نیروهای ناکارآمد است. به این ترتیب بهتر است که برای تلاش برای کوچک کردن دولت، در مسیر کارآمد کردن نیروها و مدیران و... در سطوح مختلف تاکید کنیم و در این مسیر گام برداریم، چراکه به این ترتیب دیگر نه اختلاسی رخ می دهد و نه هزینه هایی سربار اضافه می شود، نه دولت بزرگ می شود و به طور کلی بهتر از همیشه در ریل توسعه و پیشرفت قرار می گیریم. در نتیجه اینگونه می توان گفت که باید نظام انتخاب و انتصاب را به سمت شایسته سالاری برد تا بستر همه رخدادهای مناسب به خوبی فراهم شود.

نرخ بالای زیاندهی برخی از شرکت های دولتی به خصوصی شرکت های خودروساز و برخی از بانک های دولتی برای همگان ثابت شده است، توصیه شما در این راستا چیست؟

قطعاً حرکت در مسیر واگذاری شرکت های زیان ده مثل دو خودروساز بزرگ کشور و برخی از بانک ها و... رویکردی مناسب تلقی می شود، اما این شرکت ها در حال حاضر درگیر مافیاهای قدرتمند و بزرگی هستند که حتماً در برابر الزامات برای واگذاری به بخش خصوصی مقاومت می کنند، اما مطمئناً واگذاری شرکت های ناکارآمد می تواند به رهایی از اقتصاد از ناکارآمد و تحمل هزینه های زیاد و رهایی از درجا زدن در تولید محصولات و خدمات با کیفیت، کمک کند. بنابراین با قطعیت می گویم که اولویت این است که خودروسازان، بانک ها، شرکت های ناکارآمد دولتی به بخش خصوصی واگذار شوند، اما در حال حاضر به دلیل حمایت های آشکار و پنهان برخی از افراد و سازمان ها از ادامه حیات آنها در دایره فساد خیر دولتی و حفظ منافع این افراد، اجازه واگذاری و خصوصی سازی آنها صادر نمی شود.

مولدسازی نیز از جمله طرح هایی بود که بسیار پرطمطراق آغاز شد ولی به نتیجه مطلوبی ختم نشد، به نظر شما چرا این طرح با وجود تاکید مسئولان گویا متوقف شده است؟

دولت از زمان آغاز اجرای این طرح به دلیل کمبود بودجه شروع به فروش اموال منقول و غیرمنقول کرد که مولدسازی نیز زیرشاخص آنهاست، اما نکته ای که نباید از آن غافل شویم این است که برای این درآمد ها نیز همان برخوردی صورت گیرد که درباره درآمدهای ناشی از فروش نفت انجام می شود، یعنی باید صرف سرمایه گذاری در حوزه های مختلف شود، اما درباره مولدسازی نیز دولت هر آنچه که در توان داشته است انجام داده، چرا که واگذاری ها و فروش اموال و... در راستای مولدسازی دیگر مخاطب و متقاضی و خریداری هم ندارد، هر چند شنیده شده که مجدداً طرح های زیرمجموعه مولدسازی مجدداً تمدید شده است، اما پاسخ این است که مردم دیگر پولی برای خرید و مشارکت در این طرح ندارند و به نظر می رسد این تلاش به در بسته بخورد.

مهدی کرباسیان:

بحران انرژی

به این زودی ها حل نمی شود

رئیس هیات مدیره انجمن جمعیت طرفداران ایمنی راه ها گفت: نمی خواهیم همه مشکلات را گردن خودروسازها بیندازیم، چرا که خودروساز هم تابع اقتصاد کلان کشور هستند و واقعیت این است که برندهای معروف با خودروسازهای ایرانی همکاری نمی کنند. در دوران برجام شرکت پژو به دنبال تأسیس کارخانه مشترک با ایران بود اما با کنار زدن برجام، این موضوع هم هوا شد. در حال حاضر هم اعلام می کنند که ۳۰ هزار خودرو وارد می شود در حالی که نیاز کشور بیش از ۲ میلیون خودرو است. مهدی کرباسیان، رئیس هیات مدیره انجمن جمعیت طرفداران ایمنی راه ها در مراسم روز جهانی یادمان قربانیان سوانح رانندگی اظهار داشت: در کشورمان سالانه حدود ۲۰ هزار نفر کشته سوانح جاده ای حدود یک میلیون نفر را داغدار می کند که این عدد بدون احتساب آمار معلولیت های ناشی از تصادفات جاده ای است. وی با بیان اینکه ۱۶ واحد ملی درگیر مسأله تصادفات هستند، ادامه داد:

سالانه با وقوع تصادفات جاده ای حدود ۲۰ هزار کشته و نزدیک ۳۰۰ هزار نفر معلول می شوند و به طور قطع معلولان تو زندگی را حتی نخواهند داشت. رئیس هیات مدیره انجمن جمعیت طرفداران ایمنی راه ها گفت: واقعیت این است که با بحران اقتصادی در کشور مواجه هستیم که این بحران پس از زمینه موضوع سیاسی بوده و ۴۶ سال است که کشور را دست گرفته اند و موضوعات سیاسی باعث شده که مباحث اقتصادی کم رنگ شود و بحران به جایی رسیده که آقای پزشکیان به جای اینکه مشکل ناترازی انرژی را حل کند، می گوید در خانه لباس گرمی بپوشید که تا مشکل سرمای هوا حل شود، یعنی می خواهند مشکل ناترازی انرژی را با کرکی پوشیدن حل کنند، اما می دانیم که بحران انرژی به این زودی ها حل نمی شود. کرباسیان با بیان اینکه سه عامل انسانی، راه و خودرو در تصادفات جاده ای موثر هستند، اظهار داشت: در بخش راه و جاده باید بگوییم فقط حوزه فولاد ۱۰ میلیارد دلار کمبود بودجه برای اصلاح راه های مورد تردد مسیرهای معدنی برای اتصال به محل های صادراتی و واردات داریم و این کمبود بودجه برای نگهداری جاده ها در سطح کشور دیده می شود. میزان بودجه برای ترمیم و نگهداشت راه ها کمتر از ۵۰ درصد عدد مورد نیاز و تصویب شده تخصیص می یابد. وی ادامه داد: ایمنی راه ها با نصب تابلو و رفع نقاط حادثه خیز تا حدی قابل رفع است اما به طور کامل حل نمی شود، امروز حمل و نقل به یک بحران تبدیل شده است. رئیس هیات مدیره انجمن جمعیت طرفداران ایمنی راه ها با بیان اینکه عامل دوم، وسیله حمل و نقل است، گفت: نمی خواهیم همه مشکلات را گردن خودروسازها بیندازیم چرا که خودروساز هم تابع اقتصاد کلان کشور هستند و واقعیت این است که برندهای معروف با خودروسازهای ایرانی همکاری نمی کنند. در دوران برجام شرکت پژو به دنبال تأسیس کارخانه مشترک با ایران بود اما با کنار زدن برجام، این موضوع هم هوا شد. در حال حاضر هم اعلام می کنند که ۳۰ هزار خودرو وارد می شود در حالی که نیاز کشور بیش از ۲ میلیون خودرو است. وی گفت: سوئمن عامل موثری در تصادفات هم نیروی انسانی است که طبق آمارها ۲۲ درصد تصادفات به موتورسواران، ۱۹ درصد عابران پیاده مربوط می شود و گفته می شود که ۶۰ درصد تصادفات در ۳۰ کیلومتری محدوده شهری اتفاق می افتد. طبق آمار ۲۳ همت از صندوق خسارت به فوتی هایی که بیمه شخص ثالث نداشتند، اختصاص پیدا کرده است.

رئیس اتاق بازرگانی ایران:

مردم سرمایه های خود را منجمد کرده اند

رئیس اتاق بازرگانی ایران گفت: امروز مردم به دلیل عدم اعتماد به سیاست های دولت، سرمایه خود را در خانه ها پنهان کرده اند و این سرمایه ها بدون استفاده منجمد شده در حالی که در صورت جلب اعتماد مردم این سرمایه می تواند در اختیار تولید قرار بگیرد. صمد حسن زاده، رئیس اتاق بازرگانی ایران صبح امروز در نشست اعضای هیات نمایندگان اتاق باجحت... صیدی، رئیس سازمان بورس و اوراق بهادار گفت: تحریم های ظالمانه کمبود ها و نارسایی های اقتصادی را برای مردم کشور ما ایجاد کرده است. بورس در تمام دنیا یک پایگاه مطمئن برای توسعه اقتصادی به ویژه در حوزه تولید است اما متأسفانه در کشور ما عملکرد بورس به دلیل عدم اعتماد مردم و فعالان اقتصادی به برنامه های بورس مطلوب نیست. وی افزود: بورس باید مرکزی مستقل باشد و بدون دخالت دولت فعالیت کند، بورس به ویژه در تأمین سرمایه واحدهای تولیدی تأثیر زیادی دارد و می تواند با جمیع سرمایه های خرد نقش مهمی در تأمین سرمایه مورد نیاز تولید داشته باشد، اما این اتفاق در ایران نمی افتد و تولیدکننده ها برای تأمین سرمایه به بانک ها متصل می شوند و بانک ها هم منابع کافی در اختیار آنها نمی گذارند. حسن زاده تصریح کرد: امروز مردم به دلیل عدم اعتماد به سیاست های دولت، سرمایه خود را در خانه ها پنهان کرده اند و این سرمایه ها بدون استفاده منجمد شده در حالی که در صورت جلب اعتماد مردم این سرمایه می تواند در اختیار تولید قرار بگیرد. رئیس اتاق بازرگانی ایران خاطرنشان کرد: بورس باید در اختیار ۸۰ میلیون ایرانی قرار بگیرد و همه در بورس سهامدار باشند تا برای تولید سرمایه ایجاد شود. وی یادآور شد: چندین سال است کشور با شرایط سخت اقتصادی اداره می شود اما امید ملت این است که دولت چهارم هم بتواند شرایط را بهبود بخشد.